

توی ده شلمرود حسنی بازم تنها بود ده که نگو شهر بگو نمونه تو دهر بگو
یه شهر پر ز اشتباه شلوغ و پلوغ و واه و واه و واه
از آب بگیر تا برق و گاز از تلفن که قبض میاد اما توی شلمرود مصرفش اشتباه بود
حسنی روی سه پایه نشسته بود تو سایه
میخوای با هم بازی کنیم نه نمیخوام نه نمیخوام
دید نوه های کدخدا تو ماشین با سر و صدا آی بچه ها کجا کجا (۲)
میریم توی خیابون ها دور بزیم با کد خدا
دوست های خوب و نازنین چقدر آخه دور میزنین
ماشیتون سوخت میخواد مصرفتون میشه زیاد اصراف این خبر ندارین شماها
نه که نداریم چرا ندارین این بابا ما رو دوست داره به این چیزها کار نداره حالا چی میگی
هر چی که هست با اشتباه هدر میدید واه و واه و واه
مادر آمد تو ایون شلنگ آورد تو میدون کمک میخوای مامان جون طی بکشم براتون
نه جونم چرا نه مامان میتونم
چون که باید تو ایون آب بریزم فراون اینطوری زود و آسون تمیز میشه پسر جون
هر چی که هست با اشتباه هدر میدی واه و واه و واه
شب شد و باز چراغ ها روشن شدن اطاق ها تو خونه ها تو کوچه ها نه یکی نه دوتا هزارتا
آهای آهای همسایه ها این اشتباه به خدا به حرف من گوش کنین چراغ ها رو خاموش کنین
همسایه ها با غر غر گفتن با قبض برق سر ماه پولش و میدیم حالا چی میگی واه و واه و واه
هر چی که هست با اشتباه هدر میدین واه و واه و واه
حسنی با چشم گریون نشست توی خیابون دید بچه های ناز نازی سرگرم شدن به آب بازی
حسنی میای بازی کنیم نه نمیام چرا نمیای
چون که آب حروم میشه حیفه داره تمام میشه
اصراف همیشه اشتباه است آب برای همه ماهاست
آی حسنی آی حسنی عجیب و غریب حرف میزنی چی داری میگی
هر چی که هست با اشتباه هدر میدید واه و واه و واه
حسنی دوید پیش باباش تا بگه از درد و دل هاش
یادته بابا کثیف بودم فراری از آب و لیف بودم
حالا که شدی یه دست گل تر و تمیز و تپل و مپل دیگه چی میگی
کارشما هم اشتباه است قبول ندارین که خطا است هر چیزی که حروم میشه بالاخره تموم میشه
مصرف بی حد و حساب نمیونه که بی جواب
یه روز گذشت ۲ روز گذشت یه هفته و یه ماه گذشت
همهمه همسایه ها پیچید یه روز تو کوچه ها با قطع آب و برق و گاز، زندگی شد پر از عذاب
نگفتم اصراف اشتباه است کفران نعمت خداست حالا چی میگی
هر چی که بود با اشتباه هدر دادیم واه و واه و واه
اهالی شلمرود ادب شدن خیلی زود حسنی قصه ما دیگه تک و تنها نبود